



Mobile Autoethnography as a Method for Understanding Lived Experience of Urban Mobility

ARTICLE INFO

Article Type

Short Research

Authors

Nazarpoor, M*.¹PhD Student

How to cite this article:

Nazarpoor.M. Mobile Autoethnography as a Method for Understanding Lived Experience of Urban Mobility. Urban Design Discourse- a Review of Contemporary Literatures and Theories. 2021;1(4):1-11.

ABSTRACT

The scholars of social sciences and human geography used to consider the concepts like belonging, identity, attachment, and so on as solely the outcome of stability and settlement in a particular place and mobility as a threat to these concepts. However, with the emergence of “Mobilities Turn” and consequently the “New Mobilities Paradigm”, different flows and modes of movement are considered as actions constructing various individual and collective lived experiences, enabling the new experience of the expressed concepts from among the moving experiences. No comprehensive and proper methodologies have been developed for understanding these mobile lived experiences although two decades have passed since the emergence of this new paradigm and this epistemological issue in the field of social sciences. The study tries to develop the methodology existing in the social sciences to understand these mobile lived experiences – the methods that can reach the hidden meanings of these mobile experiences. After examining this methodological gap, the study proposes “mobile autoethnography” as a new approach to understand these lived experiences in motion: an approach enabling the researcher to understand the lived meanings in the actions of movement in everyday life environments through the lived experience of self and others within the framework of the new mobilities paradigm.

Keywords: Mobilities Turn, New Mobilities Paradigm, Mobile Lived Experience.

¹Art Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Article History

Received: February 20, 2021

Accepted: March 13, 2021

ePublished: March 30, 2021

*Correspondence

Address: Art Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Phone/Fax:

mohammad_nazarpoor@modares.ac.ir

خود مردم نگاری متحرک به مثابه روشی برای فهم

تجربه های زیسته از جابجایی های شهری

محمد نظریور^{*} PhD

دانشجوی دکتری، شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران

مقدمه

زندگی روزمره و ساختار اجتماعی امروزی به طور روزافزونی به جابه جایی وابسته شده است (یوری،^۱ ۲۰۰۷؛ ادی،^۲ ۲۰۱۰)؛ شهرها و مکان های امروزی از خلال فعالیت ها و کنش های متحرک روزمره فردی و جمعی تجربه می شوند و از این طریق مفاهیمی چون ادراک، تصاویر ذهنی، فرآیندهای معنا سازی از مکان و افراد دیگر، روابط و هویت اجتماعی، تعلق به مکان و ... را دگرگون می کنند. درحالی که درگذشته پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی مفاهیمی چون تعلق، هویت، دل بستگی و ... را صرفاً محصول ثبات و استقرار در مکان خاص تصور و تحرک را به عنوان تهدیدی در برابر این مفاهیم تلقی می کردند، با ظهور «چرخش جابه جایی» و به تبع آن شکل گیری «پارادایم جدید جابه جایی»، جریان ها و شیوه های متنوع جابه جایی به مثابه کنش های بر سازنده تجارب زیسته متفاوت فردی و جمعی در نظر گرفته می شود که تجربه جدیدی از مفاهیم بیان شده را از خلال تجارب متحرک ممکن می کند. بالاینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. مقاله حاضر به دنبال بسط روش شناسی موجود در علوم اجتماعی برای فهم و درک این تجارب زیسته متحرک است؛ روش هایی که بتوانند به معانی نهفته در این تجارب متحرک دست پیدا کنند. این مقاله پس از بررسی این خلأ روش شناسانه، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشی نو برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشی که به محقق امکان فهم معنا های زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند.

بیان شده را از خلال تجارب متحرک ممکن می کند. بالاینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. خلأ سنت روش شناسی حاکم بر علوم اجتماعی سبب شکل گیری روش های نوظهور متفاوتی شده است که سعی دارند این تجارب زیسته متحرک نزد کنشگران را به چنگ بیاورند. مقاله حاضر پس از تشریح چرخش جابه جایی در علوم اجتماعی و بررسی خلأ روش شناسانه برای فهم تجارب زیسته متحرک، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشی نو

چکیده

درحالی که درگذشته پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی مفاهیمی چون تعلق، هویت، دل بستگی و ... را صرفاً محصول ثبات و استقرار در مکان خاص تصور و تحرک را به عنوان تهدیدی در برابر این مفاهیم تلقی می کردند، با ظهور «چرخش جابه جایی» و به تبع آن شکل گیری «پارادایم جدید جابه جایی»، جریان ها و شیوه های متنوع جابه جایی به مثابه کنش های بر سازنده تجارب زیسته متفاوت فردی و جمعی در نظر گرفته می شود که تجربه جدیدی از مفاهیم بیان شده را از خلال تجارب متحرک ممکن می کند. بالاینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. مقاله حاضر به دنبال بسط روش شناسی موجود در علوم اجتماعی برای فهم و درک این تجارب زیسته متحرک است؛ روش هایی که بتوانند به معانی نهفته در این تجارب متحرک دست پیدا کنند. این مقاله پس از بررسی این خلأ روش شناسانه، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشی نو برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشی که به محقق امکان فهم معنا های زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند.

کلیدواژه ها: چرخش جابه جایی، پارادایم جدید جابه جایی، تجربه

زیسته متحرک، خود مردم نگاری متحرک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

نویسنده مسئول: mohammad_nazarpoor@modares.ac.ir

^{*}Embodied experiences

^۱Mobile Autoethnography

^۲Urry

^۳Adey

^۴Lived Practices

از خلال چشم اندازی میان رشته ای برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشی که به محقق امکان فهم

معناهای زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند. این پژوهش پس از تبیین خود مردم نگاری به عنوان روشی نوظهور در تالاقی چهار چرخش فکری میان رشته ای (چرخش فرهنگی^۲، چرخش روایی^۳، چرخش فضایی^۴ و چرخش انعکاسی^۵) با اضافه کردن چرخش جابه جایی به معرفی و تشریح «خود مردم نگاری متحرک» می پردازد.

«چرخش جابه جایی»: یک مسئله معرفت شناسی

در طول آخرین دهه از قرن بیستم علوم اجتماعی و مشخصاً جامعه شناسی و جغرافیای انسانی یک «چرخش جابه جایی» (کرسول، ۲۰۰۶) را تجربه کرد که حتی گاهی به عنوان یک «پارادایم جدید جابه جایی» (شالر و یوری، ۲۰۰۶) از آن یاد می شود. در حالی که در گذشته تداعی ها، تعلقات و هویت ها به عنوان محصول محلیت، ثبات و استقرار در مکان خاص در نظر گرفته می شد و «تحرک» در پژوهش های جغرافیای انسانی به عنوان یک تهدید برای این مفاهیم تلقی می شد (یوری، ۲۰۰۰)، در این پارادایم جدید با نقد نگاه ایستا به شهر (ککس، ۲۰۱۹؛ جنسن، ۲۰۰۹) باور اصلی بر این امر استوار است که ما مردم و روابط اجتماعی را صرفاً به عنوان مفاهیمی که ریشه در مکان های مشخص دارند نمی توانیم درک کنیم؛ بلکه می بایست همچنین بر جنبش ها، جریان ها و شبکه هایی که مردم را به یکدیگر و به هر چیز دیگری (به طور کلی شهر) متصل می کند نیز توجه کنیم. «جریان های حرکتی متفاوت، جوامع متفاوتی را شکل می دهند» (یوری، ۲۰۰۷). بنابراین شهرها و مکان های معاصر علاوه بر بخش های ثابت و ایستای خود با جریان جابه جایی خود نیز تعریف می شوند (شین، ۲۰۰۵؛ جنسن، ۲۰۰۹). این امر سبب تغییر کانون توجهات پژوهشی از ساختارهای ایستا جامعه به سمت

جریان های حرکتی ای شد که جوامع از طریق آن کنش های فردی و اجتماعی خود را پی می گیرند. از این زمان بود که جامعه شناسان، جغرافی دانان و انسان شناسان بر جنبه های متفاوت حمل و نقل و جابه جایی شهری با هدف فهم زندگی اجتماعی متمرکز شدند (سیمپسون، ۲۰۱۸؛ جفه و کونینگ، ۲۰۱۶؛ گمبل، سنیزک، نیلسن، ۲۰۱۷). از این منظر، حمل و نقل و جابه جایی نه صرفاً فعالیتی کارکردی برای اتصال مبدأ به مقصد، که یک عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متأثر از تجربه های تجسم یافته و زیسته است.

این چرخش معرفت شناسانه برای فهم تجارب زیسته افراد در خلال شیوه های متنوع جابه جایی در گام بعدی به شکل گیری یک «مسئله روش شناسانه» منجر شد که در آن چگونگی به چنگ آوردن تجارب زیسته متحرک به عنوان چالش جدید روش شناسی مطرح شد. انتقاد از سنت روش شناسی حاکم بر علوم اجتماعی که در فهم «تجارب متحرک» ناتوان بوده اند (لاو و یوری، ۲۰۰۴) زمینه های شکل گیری موج نوآرانه ای از روش های جدید را ذیل یک چتر روش شناسانه جدید فراهم کرد.

فهم «تجربه های متحرک»: یک مسئله روش شناسی

چرخش جابه جایی و شکل گیری پارادایم جدید جابه جایی توجهات پژوهشی را به سمت فهم تجربه های متحرک افراد در زندگی

^۲Cultural Turn

^۳Narrative Turn

^۴Spatial Turn

^۵Reflexive Turn

^۶Cresswell

^۷Sheller & Urry

^۸Cox

^۱Jensen

^۲Shane

^۳Simpson

^۴Jaffe, & Koning

^۵Gamble, Snizek & Nielsen

^۶Mobile Experiences

^۷Law & Urry

روزمه آن‌ها معطوف کرد. در جهانی که به نظر می‌رسد تماماً در حال حرکت است (شالر و یوری، ۲۰۰۶) و جامعه به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شود که مستلزم جابه‌جایی و تحرک انسان است (ادی، ۲۰۱۰؛ یوری، ۲۰۰۷)، علوم اجتماعی نیازمند جعبه‌ابزار روش شناسانه جدیدی برای فهم آن خواهد بود؛ جعبه‌ابزاری که بتواند معنای نهفته در لایه‌های عمیق تجربه زیسته کنش‌های متحرک کنشگران را به چنگ بیاورد (پینک، ۲۰۰۹؛ مریم، ۲۰۱۴). در مقابل روش‌های ایستا که در مواجهه با جنبه‌های حسی و ادراکی در بسترهای فضا-زمان ناتوان هستند (لاو و یوری، ۲۰۰۴)، ظهور روش‌های متحرک می‌تواند به شناخت این جنبه‌های خاص تجربه انسانی در خلال میادین پویای بدون مرز را فراهم می‌کند (بوچر و یوری، ۲۰۰۹؛ سترول، ۲۰۲۰؛ موسکات، موسکات، زهر، ۲۰۱۷). لاو و یوری (۲۰۰۴) فهرستی از شکاف‌های پدید آمده در روش‌های تحقیقاتی موجود را که نمی‌توانند به فهم عمیقی از تجارب جابه‌جایی دست پیدا کنند، این‌چنین بیان می‌کنند: «آن‌ها [روش‌های موجود] برای مثال به‌طور به شکل ضعیفی به «امر زودگذر» پرداختند – که امروز هست و فردا خواهد رفت – تا تنها خود را روز بعد از فردا دوباره عیان کند. آن‌ها به طرز ضعیفی با مفهوم «توزیع‌شده» سروکار داشتند – یعنی اینجوانجا باید یافت شود ولی نباید در میان قرار گیرد – و یا همچنین با مفاهیمی که [در تجربه] بین یک یا چند فضا و مکان متغیر است زیاد سروکاری نداشتند. آن‌ها به‌طور ضعیفی با مفهوم «چندگانه» سروکار داشتند – مفهومی که در مکان‌های مختلف شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. آن‌ها با مفاهیم «غیر علی، آشفته و پیچیده» ارتباط ضعیفی دارند؛ و این روش‌ها در پرداختن به «امر حسی» – که مربوط به بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی هستند – ناتوان هستند. این ارتباط ضعیف با حالات احساسی نیز دیده می‌شود – خشم، درد، عصبانیت، لذت، آمال و یا حالت معنوی مبتنی بر فضا و زمان –

اشتیاق‌ها و دردهایی که در حرکات و جابجایی افراد، اشیاء، اطلاعات و ایده‌ها جریان دارند» (لاو و یوری، ۲۰۱۴: ۴۰۳-۴۰۴). بنابراین در جهان پیچیده متحرک و سیال امروز که جابه‌جایی هسته اصلی آن است، نیازمند بازنگری در روش‌های موجود و نوآوری‌های روش شناسانه‌ای هستیم که بتواند بازتاب مناسبی از این جهان را فراهم کند و امکان دستیابی به یک «فهم معنادار»^{۲۱} (دی‌آندرا، سیلفی، گری، ۲۰۱۷) را برای پژوهشگران شکل دهد. از طرف دیگر علاقه روزافزون به رویکردها و روش‌های متحرک در این پژوهش‌های به دلیل عدم اعتماد روزافزون به کاربست پارادایم‌های پژوهشی پوزیتیویستی است که ستا بر فضای پژوهشی علوم اجتماعی سیطره داشته است (ککس، ۲۰۱۹؛ بنهام و جانسون، ۲۰۱۵). روش‌های موجود متأثر از این پارادایم نمی‌توانند به‌اندازه کافی در مواجهه با زندگی متحرک (یوری، ۲۰۰۷) کارآمد باشند و لایه‌های مختلف تجارب برآمده از آن را نشان دهند (اوسترهویس، ۲۰۱۶؛ پس، ۲۰۱۰؛ بلکمن و ون، ۲۰۱۰؛ کوپلس و ریدلی، ۲۰۰۸). برای پیدا کردن پاسخ سؤالاتی از قبیل اینکه چه عوامل محیطی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و نهادی بر چیرگی، چرایی و چگونگی تجربه شیوه‌های متفاوت جابه‌جایی تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد، پارادایم پوزیتیویستی و روش‌شناسی کمی نمی‌تواند به فهم این تجارب تجسم‌یافته از رابطه انسان-انسان و انسان-مکان دست یابد (مریم، ۲۰۱۴؛ لاو و یوری، ۲۰۰۴). سؤالاتی که برای دستیابی به پاسخ‌های معنادار آن‌ها بایستی از روش‌شناسی‌های تفسیری که امکان دستیابی به یک فهم معنادار در ارتباط با تجربه جابه‌جایی را فراهم می‌کنند استفاده کرد.

بنابراین روش‌های جدید برای فهم تجارب جابه‌جایی می‌بایست از یکسو از منظر روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی توانایی فهم لایه‌های عمیق از فرآیندهای معناسازی کنشگران متحرک را در خلال تجارب زیسته آن‌ها داشته باشد و از طرفی

^{۲۰}Oosterhuis

^{۲۱}Pesses

^{۲۲}Blackman & Venn

^{۲۳}Cupples & Ridley

^{۲۴}pink

^{۲۵}Merriman

^{۲۶}Streule

^{۲۷}Muskat, Muskat & Zehrer

^{۲۸}Meaningful Understanding

^{۲۹}D'Andrea, A., Ciolfi, L. and Gray

به عنوان روش پژوهش می بایست به بازتعریف جدیدی از نقش پژوهشگر در میدان پژوهش جدید که مبتنی بر خاصیتی سیال، چندمرکزی، پیچیده و متحرک است، دست بزند. این بدان معناست که محقق بتواند از طریق «یادگیری به همراه» (اینگولد، ۲۰۰۳) کنشگران متحرک به «یادگیری همدلانه» (ککس، ۲۰۱۹) با آن ها مشغول شود و به عنوان شکل جدید از «مشارکت کننده فعال» (لاوریر، ۲۰۱۰) که مبتنی بر تجارب مشترک حرکتی با مشارکت کنندگان پژوهش است، به بررسی لایه های مختلف تجربه متحرک نزد آن ها بپردازد (اسپینی، ۲۰۱۱؛ ونینی و استوارت، ۲۰۱۷) تا بتواند در نهایت بافت های مختلف تجربه کنشگران را گره گشایی کرده و به فهم عمیق از تجربه زیسته متحرک نائل آید. در ادامه روش های نوظهور برای فهم تجارب متحرک که در سال های اخیر ذیل پارادایم جدید جابه جایی مطرح و کاربست پیدا کرده اند، معرفی و سپس با طرح خوانش جدیدی از «خود مردم نگاری» به عنوان «خود مردم نگاری متحرک»، روش جدید و مفیدی برای استفاده در پژوهش های حوزه جابه جایی از منظر این پارادایم جدید پیشنهاد می شود.

روش های نوظهور: پژوهشگر در حرکت

روش های جمع آوری داده کیفی در علوم اجتماعی سنتا شامل روش های ایستا از جمله مصاحبه های فردی و گروهی، گروه متمرکزها و مشاهدات میدانی محدود بوده اند که در آن مشارکت کنندگان و پژوهشگر در یک نقطه ایستا در مقابل همدیگر قرار می گیرند که در آن ها محقق به بررسی کنش ها در محیط و زمانی خارج از محیط و زمان وقوع آن کنش ها، می پرداخت. اما با وقوع چرخش جابه جایی و ظهور پارادایم جدید جابه جایی، شیوه های جدید و خلاقانه ای برای فهم «پدیده های متحرک»^۲ به وجود آمدند که درحالی که پژوهشگر در کنش های

متحرک مورد مطالعه شریک می شود و با غوطه وری در جریان های زودگذر، سیال و چند حسی تجاری جابه جایی، به جمع آوری اطلاعات چند میدانی می پردازد. ظهور طیفی متنوعی از این روش ها به شکل گیری «روش شناسی های در حال حرکت»^۳ منجر شده اند. مردم نگاری ویدئویی^۴، مردم نگاری متحرک^۵، مصاحبه های در حین رکاب زنی^۶ و یا پیاده روی^۷ همراه با مشارکت کنندگان، پیاده روی های فعالانه^۸ به عنوان شیوه ای برای فهم تجربه مکان های متباین از جمله این روش ها هستند. روش هایی که در کنار جمع آوری و تحلیل داده ها به شکل ایستا از کنشگران، به جمع آوری داده ها و تحلیل در حین حرکت همراه با آن ها نیز می پردازد. ظهور تمام این روش های جدید نشان از ضرورت معرفی روش های پژوهشی جدید در ارتباط با پارادایم جدید جابه جایی است که فهم تجربه متحرک را در دستور کار خود قرار داده اند. پژوهش هایی که در سال های اخیر از این روش ها در بسترهای مختلف برای فهم کنش های متحرک بهره برده اند (اسپینی، ۲۰۱۱؛ براون و اسپینی، ۲۰۱۰؛ پسس، ۲۰۱۰؛ لاوریر، ۲۰۱۰؛ استرول، ۲۰۲۰؛ پوجاداس و مازا^۹، ۲۰۱۸؛ لی و اینگولد، ۲۰۰۶)

خود مردم نگاری: روایت تجربه زیسته پژوهشگر

به نظر می رسد از بین این روش های نوظهور، خود مردم نگاری بیش از سایرین می تواند در حوزه پژوهش تجارب زیسته متحرک مفید باشد و در کنار تجربه زیسته خود محقق، روش های متنوع جمع آوری اطلاعات مردم نگارانه چون ضبط ویدیویی و صوتی، مصاحبه ها و گفتگوها، اسناد و تصاویر و... را نیز در خود پوشش دهد. خود مردم نگاری به عنوان یکی از روش های نوظهور در مردم نگاری است که به تدریج از دهه ۸۰ میلادی مطرح شده و تا به امروز در حوزه های متنوعی بسط و

^۲Video Ethnography

^۳Mobile Ethnography

^۴Ride-Along Interview

^۵Go-Along Interview

^۶Actively Walking

^۷On the Move

^۸Pujadas & Maza

^۹Autoethnography

^۱Learning with

^۲Ingold

^۳Empathetic Learning

^۴Active Participant

^۵Laurier

^۶Spinney

^۷Moving Phenomena

^۸Moving Methodologies

کاربست پیدا کرده است. در این روش بیان خلاقانه محقق جایگاهی بسیار ویژه و ممتازی پیدا می کند و به پژوهشگر فرصت بیان شخصی ویژه ای داده می شود تا از خلال تجربه زیسته خود به یک فهم فرهنگی دست پیدا کند. به طور کلی خود مردم نگاری رویکردی از پژوهش و نگارش است که در پی توصیف و تحلیل نظام مند تجربه شخصی به منظور فهم تجربه فرهنگی است (چنگ، ۲۰۰۸^{۴۶}). الیس (۲۰۰۷: ۱۴) معتقد است که «کار خود مردم نگاری شامل یک حرکت رفت و برگشتی میان تجربه کردن و بررسی کردن خود و مشاهده و کشف زمینه ای وسیع تر از آن تجربه است». نویسندگان با این وجود اینکه «من» را با پژوهش و نوشتار در هم می آمیزد، خود را طوری تحلیل می کند که گویی «دیگری» را مطالعه می کند (گودال، ۲۰۰۰^{۴۷}; الیس، ۲۰۰۴^{۴۸}). خود مردم نگاری تجربه زیسته محقق را در یک فضای ایزوله قرار نمی دهد بلکه آن را در مقایسه با تجربه دیگران مطرح می کند تا توصیفی غنی و متکثر از تجربه فرهنگی ارائه کند. این تعامل شکل های مختلفی به خود می گیرد که از گفتگوها، مصاحبه ها تا تجربه رویدادها و احساسات عاطفی مشترک که منجر به تجربه ای متکثر و بسیار غنی برای محقق می شود را شامل می شود.

خود مردم نگاری تحلیلی^{۴۹} با نوشته های هدفمند و تحلیل گروه خاص ارتباط دارد در حالی که هدف خود مردم نگاری عاطفی^{۵۰} درون نگری محققان در مورد موضوعی خاص است به گونه ای که به خواننده امکان برقراری ارتباط احساسی با داستان محقق را می دهد. در خوانش عاطفی، از طریق روایات شخصی دیگران متوجه صدمات، بینش ها و نقاط عطف زندگی شخصی نویسنده می شوند (الیس، آدامز، بوچنز، ۲۰۱۱)، در حالی که در خوانش تحلیلی محقق در میدان وارد می شود تا از خلال تجربه زیسته خود با استفاده از تفسیر داده های موجود، به درک نظری فرآیندهای اجتماعی مورد مطالعه اضافه کند (اندرسون، ۲۰۰۶^{۵۱}). استفاده از خود مردم نگاری تحلیلی به عنوان یک رویکرد تحقیق باید شامل روش شناسی نظام مند در جمع آوری داده ها و تنوع در

انواع داده ها باشد. خود مردم نگاری تحلیلی به طور هدفمند از طریق مشاهده، مستندسازی، مصاحبه ها، یادداشت برداری و سایر روش های جمع آوری اطلاعات در عمل به مطالعه سیستماتیک میدان فرهنگی می پردازد. خود مردم نگاری تحلیلی فراتر از «من» محقق است و بیشتر از داده های متنوع میدانی در کنار تجربه زیسته خود استفاده می کند. برخلاف خود مردم نگاری عاطفی که تنها در پی صداقت و تأیید صحت تجربیات سوژ کتیبو محقق است، خود مردم نگاری تحلیلی مبتنی بر تجربه زیسته محقق پا را فراتر از آن می گذارد و به جای توضیح ساده در مورد آنچه اتفاق می افتد، به دنبال ترسیم و افزودن به فهم نظری فرآیندهای اجتماعی مورد مطالعه است و نگاه محقق بین یک تمرکز بیرونی تخصصی و یک نگاه درونی همدلانه به شکل رفت و برگشتی حرکت می کند. خود مردم نگاری تحلیلی باعث می شود تا مشارکت محقق در موقعیت پژوهش در تجزیه و تحلیل گنجانده شود و با استفاده بیشتر از تفسیر داده های موجود، به درک نظری فرآیندهای اجتماعی مورد مطالعه اضافه کند.

خود مردم نگاری متحرک: فهم عمیق تجارب متحرک

در سال های اخیر خود مردم نگاری در حوزه های مطالعاتی متنوعی چون علوم اجتماعی، علوم سیاسی، آموزش و پرستاری برای دستیابی به فهم فرهنگی از تجارب انسانی بکار گرفته شده است. اما این روش به چند دلیل اصلی می تواند روشی کارآمد در حوزه فهم تجربه زیسته متحرک نیز باشد؛ اول اینکه این روش پیوندی معنادار با تجربه زیسته دارد؛ محقق در این روش تجربه زیسته خود را روایت می کند و در این روایت لایه های متنوعی از آن آشکار می شود، دوم اینکه این روش به دلیل پیوندهای آن با مردم نگاری از ابزارهای مختلف جمع آوری اطلاعات میدانی بهره می گیرد و بنابراین می تواند ابزارهایی چون گفتگوها و مصاحبه های در حال حرکت، تصاویر و ویدئوهای ضبط شده از تجربه های حرکتی، خاطرات و نوشته های افراد در مورد تجربه مکان های مختلف و ... برای فهم تجربه زیسته مورد بهره برداری

^{۴۹}Analytic Autoethnography

^{۵۰}Evocative Autoethnography

^{۵۱}Anderson

^{۴۶}Chang

^{۴۷}Goodall

^{۴۸}Ellis

قرار دهد، سوم اینکه این روش به دلیل تأکیدی که بر فهم تجربه زیسته در بسترهای فرهنگی خود دارد و از آنجاکه فرهنگ جابه‌جایی نیز در بسترهای مختلف متفاوت و در حال دگردیسی است، می‌تواند به فهمی عمیق از تجارب جابه‌جایی دست پیدا کند، علاوه بر این مردم‌نگاری نیز امروز پس از یک تحول زمانی، از یک درگیری فعال با یک میدان پژوهشی به سمت «تحلیل چند میدان به‌صورت هم‌زمان»^{۵۴} حرکت کرده است (کرسول، ۲۰۱۲) که این امکان فهم تجربه‌های حرکتی را فراهم می‌کند. چهارم اینکه این روش در حوزه دست‌یابی به کیفیت‌های ذهنی و تجسم‌یافته جابه‌جایی به شیوه‌ای که کنشگران آن را برای خود معنادار می‌کنند، کارآمد است و درنهایت اینکه محقق را به‌عنوان یک مشارکت‌کننده فعال تجربه زیسته (اسپینی، ۲۰۱۱) در نظر می‌گیرد که در بطن تجربه «حضور دارد» و این سبب می‌شود محقق در جریان‌های حرکتی شهر غرق‌شده و به توصیفات فربه، عمیق و نزدیک از تجربه دست پیدا کند.

خود مردم‌نگاری را می‌بایست در محل تلاقی چهار چرخش اصلی؛ چرخش «فرهنگی» در مطالعات شهری و علوم اجتماعی، چرخش «روایی» در علوم انسانی، چرخش «فضایی» در علوم اجتماعی، چرخش «انعکاسی» در انسان‌شناسی دانست که در دیاگرام شماره مهم‌ترین وجه این چرخش‌ها و تأثیر آن در ظهور خود مردم‌نگاری تشریح شده است. با اضافه کردن لایه چرخش «جابه‌جایی» در علوم اجتماعی می‌توان به دیاگرام نهایی دست پیدا کرد که خود مردم‌نگاری متحرک را نشان می‌دهد. بنابراین خود مردم‌نگاری متحرک به‌عنوان روش پیشنهادی پژوهش حاضر برای فهم

تجارب زیسته متحرک منبعث از پنج چرخش میان‌رشته‌ای است که تأثیرات روش شناسانه آن‌ها در پژوهش مردم‌نگاری آن را مفهوم‌پردازی می‌کنند. چرخش فرهنگی در مطالعات شهری به معنای شکل‌گیری توجهات ویژه به معنای فرهنگی مکان و محیط‌های شهری در دهه ۸۰ میلادی است (لش،^{۵۳} ۱۹۹۰؛ چنی،^{۵۴} ۱۹۹۳؛ جیمسون،^{۵۵} ۱۹۹۰). چرخش روایی در علوم انسانی به معنای شکل‌گیری توجهات ویژه به روایات و داستان‌های عامیانه از زندگی روزمره برای فهم معانی نهفته عمیق در میان کنش‌های انسانی است که در دهه ۷۰ میلادی آغاز و در دهه ۹۰ در پژوهش‌های این حوزه به اوج خود رسید (فلودرنیک، ۲۰۰۵؛ هرمن،^{۵۶} ۲۰۰۵). چرخش فضایی به معنای بازنگری در مفهوم «فضا» در علوم اجتماعی در دهه ۹۰ و نگاه به فضا به‌مثابه تولید اجتماعی است که در آن فضا دیگر به‌مثابه ظرف خالی و یک واقعیت مادی مستقل در نظر گرفته نمی‌شود که توسط اشیاء و انسان‌ها پرشده باشد بلکه خود تولیدی اجتماعی است (سوجا،^{۵۷} ۲۰۰۸؛ لوفور،^{۵۸} ۱۹۹۶). چرخش انعکاسی در انسان‌شناسی نیز با ظهور بحران بازنمایی در دهه ۸۰ سبب شد انسان‌شناسی سنتی با عبور از توهم عینیت بی‌طرفانه محقق به سمت بازاندیشی پژوهشگر پیش رود که این امر موجب ظهور عنوان ژانرهایی در پژوهش انسان‌شناسی شد که محقق در آن کانون اصلی پژوهش است و صدای محقق در جای‌جای آن شنیده شود و دانش در دیالوگ فعال محقق و مشارکت‌کننده ساخته می‌شود (کلیفورد،^{۵۹} ۱۹۸۸؛ مارکوس و فیشر،^{۶۰} ۱۹۸۶؛ ترنر و برنر،^{۶۱} ۱۹۸۶).

^{۵۳}Soja

^{۵۴}Lefebvre

^{۵۵}Clifford

^{۵۶}Marcus & Fischer

^{۵۷}Turner & Bruner

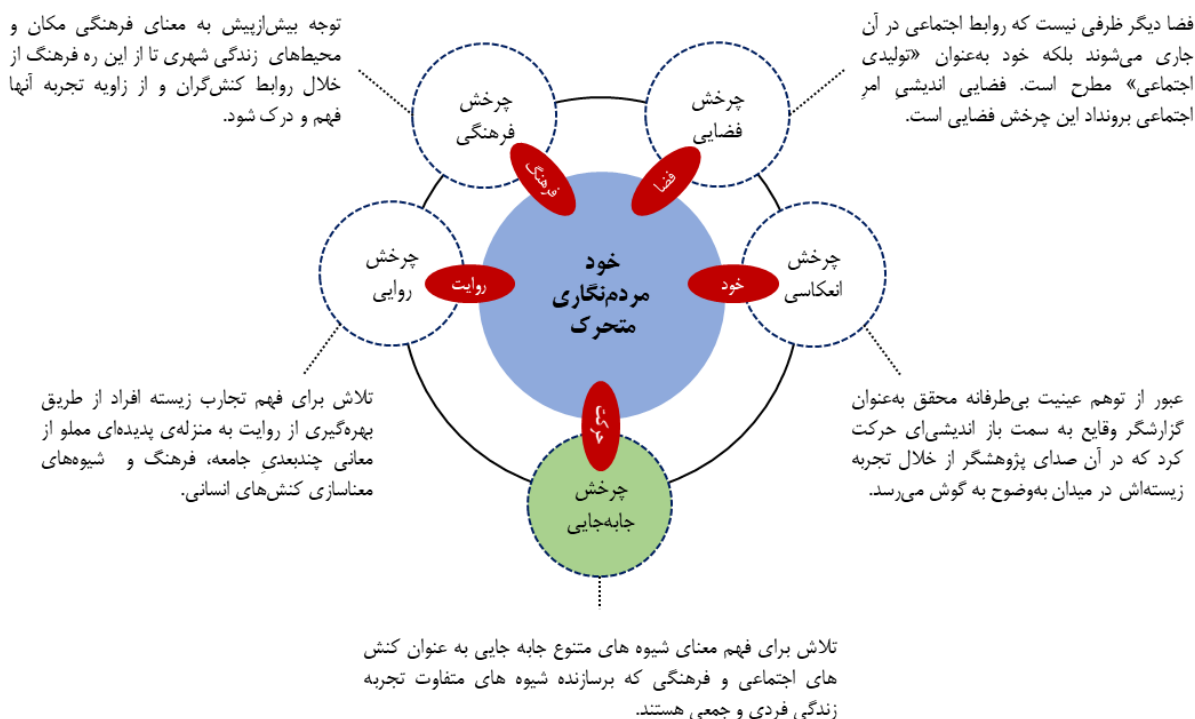
^{۵۸}Multisite Ethnography

^{۵۹}Lash

^{۶۰}Chaney

^{۶۱}Jameson

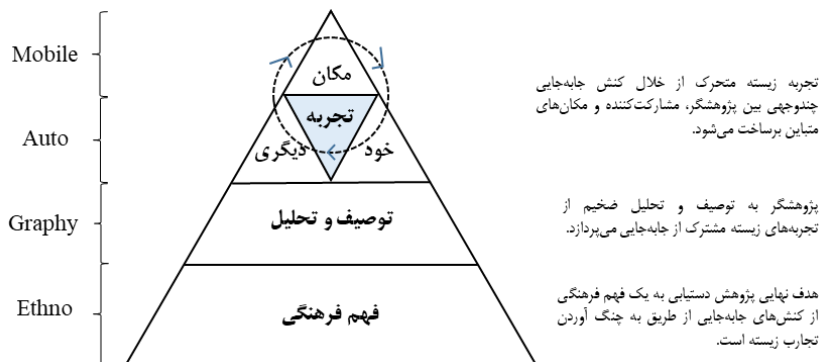
^{۶۲}Herman



دیاگرام شماره ۱: تبیین خود مردم نگاری متحرک در تلاقی چهار چرخش میان رشته ای

خود مردم نگاری متحرک» را برای فهم تجارب زیسته متحرک منتج از کنش های جابه جایی فردی و جمعی در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی پیشنهاد می کند. دیاگرام شماره ۲ ارتباط چرخه ای میان پژوهشگر، مشارکت کننده و مکان ها را به عنوان سه وجه بر سازنده تجربه های زیسته متحرک نشان می دهد که پژوهشگر در حین فرآیند پژوهش به توصیف ضخیم آن ها برای رسیدن به یک فهم فرهنگی از مضامین و مقولات اصلی می پردازد.

خود مردم نگاری متحرک به دنبال فهم معناهای زیسته در کنش های جابه جایی (متأثر از چرخش جابه جایی) در محیط های زندگی روزمره به عنوان محیط های بر سازنده هویت های فرهنگی (متأثر از چرخش فرهنگی) از خلال تجربه فضا مند اجتماعی (متأثر از چرخش فضایی) است که در آن روایت های زیسته (متأثر از چرخش روایی) کنشگران و پژوهشگر (متأثر از چرخش انعکاسی) جایگاه ویژه دارد. بنابراین پژوهش حاضر ترکیب «خود



دیاگرام شماره ۲: ابعاد مختلف خود مردم نگاری متحرک

نتیجه گیری

زندگی امروز جهان به شدت به جابه جایی وابسته است، جابه جایی هایی که در سطوح خرد و کلان زندگی فردی و اجتماعی در بسترهای متفاوت جغرافیایی بر سازنده تجارب زیسته متفاوتی با مکان ها و انسان های دیگر است. علوم اجتماعی، جغرافیای انسانی، مطالعات فرهنگی، مطالعات شهری و ... نیازمند نگاه به کنش های جابه جایی به عنوان کنش های زیسته و تجارب تجسم یافته ای هستند که در ارتباط مستقیمی با مقولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و محیطی قرار دارند. برای فهم این کنش های زیسته رجوع به تجربه زیسته افراد از جابه جایی در مرکزیت معرفت شناسانه این رشته ها در چارچوب یک چشم انداز میان رشته ای خواهد بود. از این منظر، حمل و نقل و جابه جایی نه صرفاً فعالیتی کارکردی برای اتصال مبدأ به مقصد، که یک عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متأثر از تجربه های تجسم یافته و زیسته است. از طرفی برای نیل به این هدف، جعبه ابزار روش شناسانه ای نیاز است که توانایی به چنگ آوردن این تجارب زیسته متحرک را دارند، جعبه ابزاری که در مقابل روش هایی که مبتنی بر محلیت، تک میدانی، ثبات و یکجانشینی هستند، امکان جمع آوری داده های تولید و بازتولید شده در حین کنش جابه جایی را فراهم کند. پژوهش حاضر با معرفی این خلأ روش شناسانه و بررسی روش های پراکنده ای که در سال های اخیر به دنبال پر کردن آن هستند، «خود مردم نگاری متحرک» را برای فهم تجارب زیسته جابه جایی پیشنهاد می کند. روشی که ذیل پارادایم تفسیرگرایی و رویکرد مردم نگاری توانایی فهم تجربه های زیسته افراد را در کنار تجربه زیسته پژوهشگر فراهم می کند، از روش های متفاوت و نامحدود جمع آوری اطلاعات بهره می گیرد، بر بازنمایی پژوهشگر در فرآیند پژوهش تأکید می کند و آن را به عنوان مشارکت کننده فعال تجربه زیسته معتبر دانسته و صدایش را به گوش مخاطب می رساند و در نهایت اینکه محقق به دلیل تجربه زیسته خود از کنش جابه جایی در کنار مشارکت کنندگان، امکان درگیری با چند میدان پژوهشی را به شکل هم زمان فراهم می کند. تجربه زیسته متحرک از خلال کنش جابه جایی چندوجهی میان پژوهشگر، مشارکت کننده و مکان های متباین بر ساخت می شود و دانش تولید شده از این ارتباط

سه وجهی در چارچوب توصیفات ضخیم مردم نگارانه به فهم لایه های عمیق تجربه جابه جایی و فرآیندهای معنا سازی در ارتباط با آن نزد کنشگران مختلف در بسترهای متفاوت خواهد انجامید.

1. Adams, T. E., Jones, S. H., & Ellis, C. (2015)
2. Autoethnography: Understanding qualitative research. New York, NY: Oxford University Press.
3. Adey, P. (2010). Mobility. London: Routledge.
4. Anderson, L. (2006) Analytic Autoethnography. *Journal of Contemporary Ethnography*, 35(4), 373-375.
5. Blackman, L. and Venn, C. (2010). *Affect. Body & Society* 16: 7.
6. Bonham, J., and Koth, B. (2010). Universities and the cycling culture. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 15(2), 94-102.
7. Brown, K. & Spinney, J. (2010) Catching a glimpse: The value of video in evoking, understanding and representing the practice of cycling, in: B. Fincham, M. McGuinness & L. Murray (Eds) *Mobile Methodologies*, pp. 130-151 (Aldershot: Ashgate).
8. Büscher, M., and Urry, J. (2009). Mobile methods and the empirical. *European Journal of Social Theory*, 12(1), 99-116.
9. Chaney, D. (1994). *The cultural turn: scene-setting essays on contemporary cultural history*, London: Routledge.
10. Chang, H. (2008) *Autoethnography as Method*. Walnut Creek, CA: Left Coast.
11. Clifford, J. (1988). *The predicament of culture: twentieth century ethnography, literature and art*. Cambridge: Harvard University Press.
12. Cresswell, T. (2006). *On the move*. Oxford, UK: Routledge.
13. Cresswell, T. (2012). *Mobilities II: Still. Progress in Human Geography*, 36(5), 645-653.
14. Cupples J, and Ridley, E. (2008). Towards a heterogeneous environmental responsibility: Sustainability and cycling fundamentalism. *Area* 40: 254-264.
15. D'Andrea, A., Ciolfi, L. and Gray, B. (2011) 'Methodological Challenges and Innovations in Mobilities Research'. *Mobilities* 6 (2), 149-160.
16. Denzin, N. (2014) *interpretive autoethnography*. 55 City Road, London: SAGE Publications.
17. Ellis, C. (2004). *The ethnographic I: A methodological novel about autoethnography*. Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
18. Ellis, C., T. E. Adams and A. P. Bochner. (2011) *Autoethnography: An Overview*. *Forum: Qualitative Social Research*, 12 (1): Art. 10.
19. Fludernik, M. (2005) *Histories on narrative theory (II): From structuralism to the present*. In *A Companion to Narrative Theory*, edited by J. Phelan and P.J. Rabinowitz. Malden, MA: Blackwell.
20. Gamble, J & Snizek, B & Nielsen, T. (2017). From people to cycling indicators: Documenting and understanding the urban context of cyclists' experiences in Quito, Ecuador, *Journal of Transport Geography*, Elsevier, vol. 60(C), 167-177.
21. Goodall, H. L. (2000) *Writing the New Ethnography*. Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
22. Hayano, D. (1979) *Auto-ethnography: paradigms, problems and prospects*. *Human Organization* 38, pp. 99-104.
23. Herman, David. (2005) *Histories of narrative theory (I): A genealogy of early developments*. In *A Companion to Narrative Theory*, edited by J. Phelan and P.J. Rabinowitz. Malden, MA: Blackwell.
24. Jaffe, R and Koning, A. (2016). *Introducing urban anthropology*. London, New York: Routledge.
25. Jameson, F. (1991) *Postmodernism, or the cultural logic of late capitalism*, Verso Books, London
26. Jensen, Ole B. (2009). "Foreword: Mobilities as Culture." In *Cultures of Alternative Mobilities: Routes Less Traveled*, edited by Philip Vannini, xv-xix. Burlington, VT: Ashgate Publishing.
27. Lash, S. (1990) *Sociology of postmodernism*, Routledge, London.
28. Laurier, E. (2010) *Being there/seeing there: Recording and analysing life in the car*, in: B. Fincham, M. McGuinness & L. Murray (Eds) *Mobile Methodologies*, pp. 103-117 (Aldershot: Ashgate).

29. Law, J. and Urry, J., (2004). Enacting the social. *Economy and Society*, 33:3, 390–410.
30. Lee J and Ingold T .(2006) Fieldwork on foot. Perceiving, routing, socializing. In: Coleman S and Collins P (eds) *Locating the Field. Space, Place and Context in Anthropology*. Oxford: Berg, pp. 67-85.
31. Lefebvre, H. (1996) *Writing on cities*. E. Kofman and E. Lebas, trans. And eds., Oxford: Basil Blackwell.
32. Marcus, G. E., and Fischer, M. M. (1986). *Anthropology as cultural critique: an experimental moment in the human sciences*. Chicago: University of Chicago Press.
33. Merriman P (2014). Rethinking mobile methods. *Mobilities* 9: 167–187.
34. Muskat, B & Muskat, M & Zehrer, A. (2017). Qualitative interpretive mobile ethnography, *Anatolia*.
35. Oosterhuis, Harry. (2015). Ingebakken gewoonte of buitenissige liefhebberij? Een vergelijking tussen nationale fietsculturen. *Sociologie*, 11, 3–30.
36. Pesses, M. 2010. “Automobility, Vélomobility, American Mobility: An Exploration of the Bicycle Tour.” *Mobilities* 5 (1): 1–24.
37. Pujadas, JJ and Maza, G .(2018). Daily mobility and urban sprawl. Mobile ethnography in the metropolitan region of Barcelona (MRB). In: Ferro L, Smagacz-Poziemska M, Gómez MV et al. (eds) *Moving Cities. Contested Views on Urban Life*. Wiesbaden: Springer VS, pp. 43–60.
38. Sheller, M., & Urry, J. (2006). The New Mobilities Paradigm. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 38(2), 207–226.
39. Simpson, P (2018). Elemental mobilities: atmospheres, matter and cycling amid the weather-world, *Social & Cultural Geography*.
40. Soja, E. (2008). *The spatial Turn Interdisciplinary Perspectives*. English: Routledge.
41. Spinney, J. 2011. “A Chance to Catch a Breath: Using Mobile Video Ethnography in Cycling Research.” *Mobilities* 6 (2): 161–182.
42. Streule, M. (2020). Doing mobile ethnography: Grounded, situated and comparative. *Urban Studies*, 57(2), 421–438.
43. Turner, V., and Bruner, E. (eds) (1986) *The Anthropology of experience*. Urbana, IL: University of Illinois Press.
44. Urry, J. (2007). *Mobilities*. Cambridge, UK: Polity.
45. Vannini, P., and L. M. Stewart. 2017. “The GoPro Gaze.” *Cultural Geographies* 24 (1): 149–155.
46. Vryan K. (2006) Expanding analytic autoethnography and enhancing its potential. *J Contemp Ethnogr*, 35(4):405–9.

